

امام زمان<sup>(ع)</sup> را

أبا صالح چرا؟



تأليف: علي هجراني



امام زمان علیه السلام را  
أبا صالح چرا؟

تألیف:  
علی هجرانی

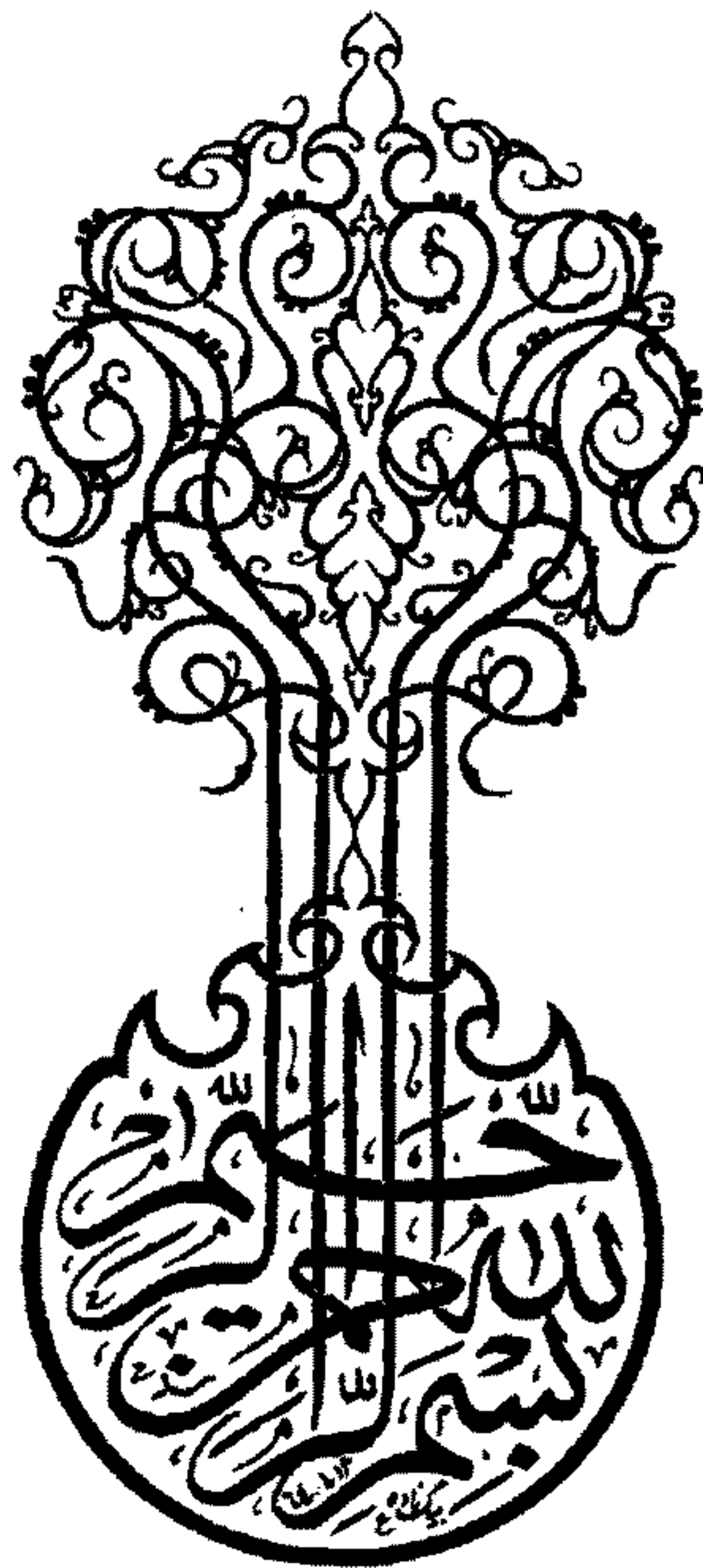
نام کتاب: ..... امام زمان علیه السلام را ابا صالح چرا؟  
مؤلف: ..... علی هجرانی  
ناشر: ..... انتشارات مهدی یار  
چاپخانه: ..... اعتماد  
تاریخ چاپ: ..... شهریور ۱۳۸۰  
نوبت چاپ: ..... اول  
تیراژ: ..... ۵۰۰۰  
قیمت: ..... ۳۰۰

---

شابک: ۹۶۴-۵۶۹۷-۴۸-۴

کلیه حقوق این کتاب برای مؤلف مخصوص است.

پست الکترونیک: [ahejrani@yahoo.com](mailto:ahejrani@yahoo.com)



## اهداء

يا صاحب الزمان! يا ابا صالح!

اين كتاب كوچك را به محضر مقدّس شما

تقديم مي دارم، با اين اميد كه مورد قبول

درگاه مباركتان قرارگيرد و بيش از پيش

مشمول دعاها و الطاف كريمه شما باشيم.

### به نام خدا

خوانندگان عزیز! کتاب کوچکی که در دست دارید نتیجه تلاش اندکی است که گاه و بی‌گاه در لابه‌لای مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای که درباره یکی از مسائل اساسی اسلام ادامه دارد، یادداشت نموده‌ام؛ با این تصور که برای نسل مؤمن و دیندار جامعه مفید و ثمربخش باشد.

پر واضح است که کتاب نوشتن درباره شخصیت صاحب الامر (امام زمان) علیه السلام و تبیین فضائل و مناقب بی‌کران آن حضرت، از افرادی مانند حقیر ساخته نیست، ولی خداوند سبحان را شکر می‌کنم که توفیق سخن گفتن درباره یکی از اوصاف زیبا و دلنشین آن حضرت را به بنده ارزانی داشت تا توانستم کتابچه‌ای در توضیح و تشریح آن بنویسم.

آنچه در این کتاب مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد یکی از اوصاف و کنیه‌های معروف امام زمان علیه السلام است که آن حضرت با آن مشهور شده‌اند.

و آن عبارت است از کنیه مبارکه (أباصالح) که غیر از افراد مؤمن و علاقه‌مند به اهل بیت عصمت علیهم السلام سایر مردم نیز کم و بیش با آن آشنا هستند و می‌دانند که هر جا سخن از أباصالح است هدف از آن، حضرت ولی عصر امام زمان علیه السلام می‌باشد لکن به دلیل عدم آشنائی برخی از چگونگی مشهور شدن امام زمان علیه السلام به این صفت، و تبیین و توضیح علت آن این کتاب را به رشته تحریر در آوردم.

با این امید که افراد مؤمن جامعه با آگاهی از آن بتوانند در توسل به ساحت مقدس امام زمان علیه السلام و عرض ادب به پیشگاه آن حضرت بهتر و بیشتر موفق شوند، ان شاء الله بناچار این نکته را یادآور می‌شوم که: کتابی که در دست دارید جهت تایپ کردن به دست یکی از دوستان امانت سپرده بودم که بخشی از آن مفقود گردید.

چون فرصت مناسبی جهت دوباره نویسی آن نیست

بدین جهت آن را به طور ناقص و نیمه تمام به چاپ  
میرسانیم به امید اینکه با الطاف خداوند متعال و توجهات  
حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در چاپ  
های دیگر با دوباره نویسی بخش گمشده، و افزودن  
مطالب دیگر، آن را به طور دلخواه به محضر مبارکتان  
تقدیم نماییم، مع الوصف امیدوارم دانشمندان و محققان  
توانمند و والا مقام بتوانند با بررسی بهتر و بیشتر این  
موضوع را تحقیق نموده و به جامعه مؤمن و دانش پژوه  
تقدیم نمایند انشاءالله.

علی هجرانی



عام زمانہ کا راجا صالح ہوا.....

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



خبر کوز کتب مؤمنین  
۱۵۶۱ م

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس خداوند سبحان را که به ما توفیق اطاعت و بندگی مرحمت فرمود و چشم و دلمان را به نور اسلام روشن ساخت و درود بی پایان بر محمد و آل محمد که با رنج و زحمت و تلاش مداوم و پایدارشان ما را به راه توحید و خداپرستی و پرهیز از شرک و بت پرستی هدایت نمود.

و لعنت و نفرین خدا بر کسانی که با عناد و خودخواهی پیوسته مانع گسترش و پیشرفت آئین مقدس اسلام شده و با هر ترفندی این دین خداپرستی و مذهب اهل بیت عصمت علیهم السلام را زیر سؤال برده و با آن درافتادند.

شکی نیست که مکتب و مذهب اهل بیت عصمت علیهم السلام (اسلام راستین) با اینکه در طول تاریخ دشمنان و

بدخواهان بسیاری داشته و در راه گسترش و پیشرفت آن موانع و مزاحمت‌های بسی شماری بوجود آورده‌اند مع الوصف موفق‌ترین و پیشرفته‌ترین دین و مکتب جهان معاصر به شمار می‌رود و با داشتن اصول و قوانین محکم و هم‌سو با مترقی‌ترین و علمی‌ترین افکار و عقائد بشری، همچنان به گسترش و پیشرفت خود ادامه داده و هر روز و هر روز به پیروان و طرفداران آگاه و دانشمند آن افزوده می‌شود.

ممکن است برخی از افراد جامعه به دلیل نداشتن علم و آگاهی از مذهب اهل بیت عصمت علیهم‌السلام به پاره‌ای از افکار و عقائد آن خرده گرفته و در چند و چون آن تشکیک نمایند، ولی به طور یقین اگر اینگونه تشکیک‌ها، از روی عناد و لجاجت نباشد، با مطالعه کردن کتابهایی که در توضیح و تبیین این مکتب نوشته شده است برطرف خواهد شد. چرا که افکار و عقائد پیروان مذهب اهل بیت عصمت علیهم‌السلام براساس یک رشته از آیات و روایات معتبر اسلامی بنا نهاده شده است.



### چرا امام زمان علیه السلام را اباصالح می خوانیم؟

یکی از مطالبی که اخیراً کم و بیش مورد سؤال واقع شده و از چند و چون آن می پرسند کنیه معروف (اباصالح) امام زمان علیه السلام است؛ که مؤمنین در مقام دعا و ندبه، آن حضرت را با آن می خوانند تا از این طریق با امام عصر و ولی مطلق خداوند متعال ارتباط برقرار نموده و از حضرتش کمک و یاری بطلبند.

پرواضح است که بیشتر افراد جامعه ما از اصل ارتباط با امام زمان علیه السلام و همچنین از امکان آن، کم و بیش اطلاع و آگاهی دارند، به گونه ای که حتی برخی از آنان در این زمینه به مقام یقین رسیده اند و داستان ها و گفتنی های بسیاری دارند. لکن سؤال ایشان در این است که چرا ما حضرت بقیه الله، امام زمان، عجل الله تعالی فرجه الشریف را در مقام دعا و ندبه، با جمله اباصالح می خوانیم؟ آیا ایشان

فرزندی به نام صالح دارند که او را ابا صالح می خوانیم و یا علت و سبب دیگری دارد که ما نمی دانیم؟

### معنای لغوی آب

برای خوانندگان عزیز معلوم و روشن است که کلمه آب در لغت عرب به معنای پدر آمده است. بدین جهت برخی از مردم تصور می‌کنند که عبارت ابا صالح در حالت ترکیبی، باید به معنای پدر صالح باشد، تا معنی و مفهوم جمله صحیح گردد.

برای رفع این شبهه، برخی از مؤمنین هم در مقام جواب برآمده و چنین اظهار داشته‌اند که: چون امام زمان علیه السلام با تشکیل زندگی خانوادگی، فرزندى به نام صالح دارند، بدین جهت او را با کنیه<sup>(۱)</sup> و نام ابا صالح می‌خوانیم.

۱ - کنیه در لغت عرب به کلمه‌ای گفته می‌شود که با لفظ آب (پدر) و یا با کلمه أم (مادر) شروع گردد مانند ابوالحسن که از کنیه‌های معروف علی علیه السلام است و ابوجعفر که کنیه امام باقر علیه السلام است و مانند أم الأئمه، که از کنیه‌های معروف حضرت فاطمه علیه السلام است.



همچون امامان دیگر که هر کدام دارای کنیه و القاب خاصی بوده‌اند. (۱)

لکن به نظر می‌رسد که اینگونه جواب‌ها توجیه و تفسیر الفاظ مفرده (أباصالح) بوده، و از حقیقت حال و واقعیت آنچه هست پرده بر نمی‌دارد، چون برای ما راهی که موجب درک چگونگی زندگانی امام زمان علیه السلام شود، و اینکه آیا آن حضرت به طور یقین فرزندی به نام صالح و غیره دارند یا نه؛ وجود ندارد زیرا آنچه که از منابع معتبر بدست آمده این است که: کیفیت زندگانی و همچنین مسکن و مأوای آن حضرت، همانند خودشان، برای ما مستور و پنهان است و بر همین اساس است که می‌گوئیم: جواب یاد شده توجیه مطلوب و دلپسندی به نظر نمی‌آید.

۱- القاب جمع لقب است و لقب کلمه‌ای را گویند که با آن شخص ملقب به آن را مدح و تعریف کنند و یا بی‌لیاقتی او را بیان نمایند مانند امیرالمؤمنین و امیرالکفار و المشرکین که از لقب اول (امیرالمؤمنین) مدح و تعریف و از لقب دوم (امیرالکفار و المشرکین) سرزنش و بی‌لیاقتی شخص معلوم می‌گردد.

در این میان ممکن است برخی با مطالعه نمودن بعضی از کتابهای منتشر شده ادعا کنند که: محل زندگانی امام زمان علیه السلام جزیره خضراء است و یانورستان است، ویابگویند که: آنحضرت در مکه زندگی میکنند لکن بادر نظر گرفتن همه مسائل مربوطه نمیتوان بطور یقین خانه و محل زندگی آنحضرت را مشخص نمود آنها بگونه‌ای که انسان بتواند به دیگران آدرس دهد و یا کسیکه آدرس گرفته است بتواند خود سرانه و با اختیار خود به آنجا برود.

بنابراین میتوان گفت که محل زندگانی امام زمان علیه السلام همچون خود آن حضرت ناپیدا و از دیدگان ما غایب است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



خَيْرِكُمْ اَنْ كُنْتُمْ مُنْبِتِينَ



### تحقیق عمیق تر

اهل تحقیق و دانش پژوهان خوب می دانند که القاب و صفات و کنیه‌هایی<sup>(۱)</sup> که برای پیامبر اسلام و اهل بیت آن حضرت در روایات و دعا‌های مأثوره به کار رفته است هر کدام معنی و مورد خاصی دارند که با توجه به آن، القاب و کنیه‌های مذکور را به کار برده‌اند.

مثلاً کلمه «امین» که یکی از لقب‌های معروف پیامبر اسلام ﷺ است به طور یقین به خاطر کمال امانتداری و امین اسرار و اموال مردم بودن، به آن حضرت گفته شده است.

کنیه «أبو‌الأثمه» که یکی از کنیه‌های معروف امیرالمؤمنین (ع) است، بدان جهت به آن حضرت گفته‌اند، که او در سلسله امامان معصوم (ع) پدر یازده امام

۱ - پیش از این معنای لغوی لقب و کنیه در پاورقیهای گذشته توضیح داده شده است لطفاً به آنجا مراجعه کنید.

به شمار می رود. زیرا امام حسن و امام حسین علیهما السلام از فرزندان آن حضرت، و امامان معصوم دیگر نیز از نسل امام حسین علیه السلام می باشند.

پس به خاطر اینکه علی علیه السلام پدر و یا پدر بزرگ و جد پدری یازده امام معصوم بشمار می رود، آن حضرت را با کنیه «أبو الأئمه» می خوانند.

هدف از بکار بردن کنیهی اَب و اُمّ برای افراد اثبات پدر، یا مادر بودن آن اشخاص است نسبت به مضاف الیه شان؛ مانند ابوالحسن (پدر حسن)، ابو جعفر (پدر جعفر)، ام داوود (مادر داوود)، ام لیلی (مادر لیلی) و ام الأئمه (مادر امامان علیهم السلام)، لکن از نظر لغت عرب این طور نیست که کلمات یاد شده (أَب و اُمّ) همیشه به معنای پدر و مادر باشد، بلکه گاهی به معنای صاحب و مالک و کُنه و اساس شیء می باشد مانند: ابوالفضل، ابو تراب، ام القری، ام الفساد و امثال آن که به طور یقین هیچکدام آنها در معنای پدر و مادر به کار نرفته است، چون حضرت ابوالفضل علیه السلام پسری به نام فضل نداشته است که ابوالفضل

– در این مورد – به معنای پدر فضل باشد. و علی علیه السلام هم فرزندی به نام تراب نداشته است که آن حضرت پدر تراب باشد و همچنین است کلمه‌ی أم القرى که کنیه معروف شهر مکه است، چرا که شهر مکه فرزندی نداشته است که مادر آن باشد.

پس با توجه به مطالب گذشته معلوم می‌گردد که در برخی از موارد کلمات یاد شده (أب و أم) معانی دیگری دارند که بعضی از مردم از آنها غافل بوده و سبب شده که سؤال و جواب‌های بی‌شماری را به دنبال داشته باشد بنابراین، توضیح این نکته را لازم می‌دانم که کلمه أب و أم غیر از معانی معروف و مشهورشان معنای دیگری هم دارند که در برخی از موارد در آن معانی به کار می‌روند.

مثلاً کلمه‌ی أم، علاوه بر معنای ظاهری مادر، در معنای کنه و اساس شیء هم استعمال شده است مانند: أم القرى و أم الفساد که به طور یقین جمله نخست (أم القرى) به معنای اساس و مرکز شهرها و سرزمین‌ها و جمله دوم (أم الفساد) هم به معنای ریشه و اساس فساد و تباهی

می باشد.

و همچنین کلمه آب هم اینطور نیست که همه جا به معنای پدر بوده و در آن معنی بکار رفته باشد. بلکه در برخی از موارد معانی دیگری هم دارد که در پاره‌ای از آیات و روایات و دعاها در آن معانی به کار رفته است. و روی همین اصل است که برخی از مردم به دلیل ساده‌اندیشی و عدم آگاهی از معانی مختلف کلمات یادشده، دچار اشتباه شده و پرسش و پاسخ‌های نامتناسب غیر علمی از آنها سر می‌زند و در نتیجه در تفهیم و تفسیر الفاظ و آیات و روایاتی که اینگونه کلمات در آنها به کار رفته است دچار اشتباه می‌گردند.

اینک برای رفع این اشتباه و توضیح و تفسیر کنیه مبارکه ابا صالح علیه السلام مطالبی خدمت خوانندگان عزیز تقدیم می‌دارم. به امید اینکه مورد قبول و لطف و مرحمت امام زمان علیه السلام قرار گرفته و در تفهیم و تفسیر مطالب گذشته مفید مؤثر گردد.

انشاء الله



### امام زمان علیه السلام را چه وقت با صالح بخوانیم؟

شکی نیست که وقتی با خداوند متعال مناجات می‌کنیم و نیازها و احتیاجات خود را به محضر مقدسش عرضه می‌داریم هم سو و متناسب با نیازمان از نام‌ها و صفات مقدس او را بر زبان می‌آوریم مثلاً در مقام ارتکاب به گناه و طلب مغفرت از ساحت مقدس خداوند متعال، او را یالطیف، یاغفار، و در مقام طلب نمودن روزی حلال و فراوان با کلمه یارازق یا رزاق، و در مقام ثبات قدم و استوار و پایدار ماندن در راه حق او را با جمله یا مقلب القلوب والابصار و امثال آن می‌خوانیم. پس بنابراین برای اجابت دعا و قبولی مناجات با خداوند متعال راه و رمز، و اوقات و ساعات خاصی وجود دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت آنها را در میان احادیث و روایات معتبره به ما تعلیم فرموده‌اند به گونه‌ای که حتی دعای صبح و شام و دعای اول و آخر هفته و ماه و

سال و چند و چون آن را هم یاد داده‌اند.  
حال باید دید که دعای معروف ضالّ عن الطريق  
(دعای گم‌شدگان در صحرا و بیابان) را که در روایات  
آمده‌است و همچنین کنیه معروف ابا صالح رضی الله عنه، را در کجا و  
چه وقت باید خواند و به عبارت دیگر می‌خواهیم بدانیم  
که شأن صدور روایتی که خواندن دعای ابا صالح را به  
مسلمانان پیشین تعلیم نموده‌است چیست؟

### سیری در احادیث ابا صالح

اگر کمی در کتب حدیث سیر کنیم خواهیم دید که امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام در حدیث معروف اربعمأة به شاگردان و مکتب داران خاص خود علاوه بر مطالب بسیار علمی و اعتقادی فراوان در جمله بسیار کوتاهی فرموده است:

«مَنْ ضَلَّ مِنْكُمْ فِي سَفَرٍ أَوْ خَافَ عَلَى نَفْسِهِ فَلْيُنَادِ يَا صَالِحُ أَغْنِي فَإِنَّ فِي إِخْوَانِكُمْ مِنَ الْجِنِّ جَنِيًّا يُسَمِّي صَالِحاً يَسِيحُ فِي الْبِلَادِ لِمَكَانِكُمْ مُحْتَسِباً نَفْسَهُ لَكُمْ فَإِذَا سَمِعَ الصَّوْتَ أَجَابَ وَأَرْشَدَ الضَّالَّ مِنْكُمْ وَحَبَسَ دَابَّتَهُ...»  
الحدیث (۱).

۱ - خصال صدوق ج ۲ ص ۴۰ ح ۹

حدیث شریف اربعمأة (چهارصد اصل) در فرازهای مختلف علمی عملی مورد استدلال و استشهاد فقهاء و دانشمندان حوزه‌های علمیه قرار گرفته و دانشمندان جهان اسلام در کتابهای خود بطور کامل و یا

اگر یکی از شما در سفر راه گم کرده و نداند که از کدام طرف و چگونه رود و یا بنخاطر ناامنی راه و جاده بر سلامتی خویش بترسد پس صالح را ندا کرده و بگوید: یا صالح اغثنی: (ای صالح بفریادم برس و مرا دریاب) در این هنگام صالح جنی به کمک ویاری او می شتابد.

شما از طائفه جن برادران مؤمن و خداپرستی دارید که نام یکی از آنان صالح است. او به خاطر ایمان و مقام و منزلتتان، خود را برای خدمت کردن به شما آماده ساخته است و در میان شهرها می گردد تا اگر شما در دشت و صحرا، راه و یا مرکبتان را گم کردید او را به کمک طلب کنید. او وقتی صدای شما را بشنود به شما پاسخ می دهد و گم شدگان را ارشاد کرده و راه را بر آنان نشان می دهد و چنانچه مرکبتان را گم کرده باشید از رفتن و ناپدید شدن آن جلوگیری می کند.

این حدیث شریف از نظر تاریخ صدور، نخستین

بخشهایی از آن را روایت کرده اند که یکی از آنان جناب شیخ الاسلام صدوق رحمته الله علیه است که حدیث مذکور را بطور کامل ذکر کرده است.



حدیث است که در هنگام گرفتاری در دشت و صحرا و گم کردن راه و مسیر، ما را به کمک گرفتن از امداد غیبی و ناپیدای خداوند متعال (از صالح جنی) سفارش می‌کند. بدون شک مسلمانان آن عصر با سفارش و توصیه امیرالمؤمنین علیه السلام به هنگام گرفتاری و گم کردن راه در دشت و صحرا از خداوند متعال کمک و یاری صالح جنی را می‌طلبیدند که خود را به این کار وقف نموده است که با قدرت فوق‌العاده خویش به کمک و یاری درماندگان و گم‌شدگان بشتابد.

حدیث دوم را از امام باقر علیه السلام روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود:

«إِذَا ضَلَلْتَ فِي الطَّرِيقِ فَنَادِ «يَا صَالِحُ» أَوْ «يَا أَبَا صَالِحٍ»

أَرْشِدُونَا إِلَى الطَّرِيقِ وَرَحِمَكُمُ اللَّهُ.»<sup>(۱)</sup>

حدیث سوم هم تحت عنوان دعاء الضال روایتی است که در اکثر کتاب‌ها و متون روایی<sup>(۲)</sup> از امام باقر و همچنین از

۱- الأمان من أخطار الزمان، تألیف سید بن طاووس ص ۱۲۱.

۲- مانند: ۱- من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۲۹۹، ۲- وسائل الشیعة ج ۱۱

امام صادق علیه السلام روایت شده است. مانند حدیثی که راوی معروف متون اسلامی جناب ابی بصیر<sup>(۱)</sup> از امام صادق علیه السلام

➤ ص ۴۴۳، ۳- بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۷۵ و ۲۹۲ و ۳۰۰ و ج ۷۳ ص ۲۴۶ و ۲۵۳، ۴- الأمان ص ۱۲۲، ۵- مکارم الأخلاق ص ۲۵۹، ۶- مصباح کفعمی ص ۱۸۵.

۱- راوی حدیث فوق یحیی بن قاسم اسدی معروف به ابو بصیر است که از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام بشمار میرود. وی که از روای معتبر حدیث است، احادیث و روایاتی نقل کرده است که بالغ بر صدها حدیث میباشد.

ابو بصیر که مردی نابینا بود یعنی نابینا بدنیا آمده و عمر پربار خود را با نابینائی بسر برده است، میگوید: یک روز حضور امام باقر علیه السلام وارد شدم، پس از عرض سلام و ادای احترام به محضر مبارک آن حضرت عرض کردم: آقا شما وارث رسول خدا هستید؟ (علم و دانش را از او به ارث برده بطوریکه هرچه او میدانست شما هم میدانید)؟ امام باقر علیه السلام فرمود: بلی.

عرض کردم: رسول خدا وارث پیامبران بود و هرچه آنها میدانستند او نیز میدانست؟

فرمود: بلی گفتم: پس شما هم میتوانید مرده را زنده کنید و مریض سخت، و صعب العلاج را شفا دهید؟

فرمود: بلی با اذن خداوند متعال میتوانیم.

ابو بصیر میگوید: وقتی سخن امام باقر علیه السلام به اینجا رسید بمن

⊙ خطاب کرد و فرمود: ای ابو بصیر نزدیکتر بیا، من نزدیکتر رفتم و در مقابل آنحضرت نشستم امام باقر علیه السلام دست مبارکشان بر صورت و چشمهایم کشید ناگهان چشمهایم بینا شد بطوریکه خورشید، آسمان، زمین و خانه و هر چه در شهر بود دیدم و از دیدن آنها بسیار خوشحال شدم.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: آیا دوست داری همینطور بمانی و روز قیامت مانند مردم هرچه دیدی از حلال و حرام آن حساب داشته باشی یا دوست داری به حال اول (نابینائی) برگردی و بدون حساب بهشت از آن تو باشد؟ ابو بصیر میگوید: عرض کردم آقا: دوست دارم به حال اول برگردم و نابینا شوم! آنگاه امام باقر علیه السلام دست مبارکشان را دوباره بر چشمانم کشید و من همان لحظه به حال اول (نابینائی) بازگشتم.

علامه حلی رحمت الله علیه از علی بن احمد عقیقی روایت کرده است که گفت: یحیی بن قاسم (ابو بصیر) که نابینا بدنیا آمده و ببرکت امام باقر علیه السلام چند لحظه بینا شده و دنیا را دیده بود یک روز امام صادق علیه السلام هم دست برچشمان او کشید و فرمود: به اطرافت نگاه کن بین چه می بینی؟ ابو بصیر که بینائی را باز یافته بود عرض کرد: همه چیز را، حتی شکافی در اطاق می بینم که پیش از این پدر بزرگوارتان نیز آنرا بمن نشان داده بود! این راوی والا مقام متون اسلامی با اینکه مرد کور و نابینا بود لکن در معرفت دینی و شناخت امام و اطاعت از ایشان به

روایت می‌کند که آن حضرت فرمود:

«إِذَا ضَلَلْتَ عَنِ الطَّرِيقِ فَنَادِ «يَا صَالِحُ» أَوْ «يَا أَبَا صَالِحٍ» أَرْشِدُونَا إِلَى الطَّرِيقِ يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ».

اگر در دشت و صحرا از جاده منحرف شده و راه گم کردید پس صالح و یا ابا صالح را صدا کن و بگو: «ای صالح» و یا بگو «ای ابا صالح» ما را دریابید و راه را بر ما نشان دهید، خداوند شما را رحمت فرماید.

این حدیث شریف با اندک تفاوتی در کتاب معروف مصباح کفعمی هم آمده است که همین امر دقت بیشتر در الفاظ و کلمات آن را لازم می‌دارد؛ چرا که افزودن یک حرف و یا کم کردن آن ممکن است در معنی و مفهوم حدیث تأثیر عمیقی گذاشته باشد. اینک متن حدیث:

«عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: إِذَا ضَلَلْتَ عَنِ الطَّرِيقِ فَنَادِ «يَا صَالِحُ» وَ «يَا أَبَا صَالِحٍ» أَرْشِدُونَا إِلَى الطَّرِيقِ رَحِمَكُمُ اللَّهُ».

➔ مرحله‌ای از کمال رسیده بود که او را ابو بصیر یعنی صاحب بینائی می‌نامیدند.

معجم رجال الحدیث ج ۲۰ ص - ۷۴ و جامع الروات ج ۲ ص ۳۳۴



اگر در دشت و صحرا راه گم کردید پس صالح و یا اباصالح را  
صدا کن و بگو: ای صالح ای اباصالح، ما را ارشاد کنید و راه  
را بر ما نشان دهید، خداوند شما را رحمت فرماید.

چنانچه در الفاظ و مفردات این حدیث شریف دقت  
کنید خواهید دید که برخلاف کتاب‌های دیگر، این  
راوی<sup>(۱)</sup> مابین جمله «یا صالح، و یا اباصالح» را با واو (و) عطف  
کرده است که یقیناً با کلمه (أو) که بیشتر در مقام  
تفکیک و تقسیم و یاد در مقام شک و تردید به کار می‌رود فرق  
دارد. زیرا در صورتی که با واو، عطف شود؛ معنای حدیث  
متحوّل شده و نوع دیگری می‌گردد و به ما می‌آموزد که

۱ - یعنی کفعمی رضی الله عنه در کتاب معروف خود، «مصباح» جمله: صالح و  
اباصالح را با حرف واو روایت کرده است و این متن با کیفیت دیگری  
که روایات دیگر نقل کرده‌اند فرق دارد چراکه در حدیثی که آنان نقل  
کرده‌اند ما بین دو کلمه (صالح و اباصالح) با او که برای تردید و  
تشکیک به کار می‌رود عطف شده است ولی در متنی که کفعمی نقل  
کرده است با واو عطف شده است که صرفاً در عطف بدون تردید به کار  
می‌رود.

انسان نباید در مقام کمک خواستن از صالح جنی، از صاحب و مالک او که امام وقت و حجت خداست غافل گردد و این بدین معنی است که انسان باید قدرت صالح جنی را در طول قدرت امام وقت علیه السلام بداند نه در عرض آن، اعم از اینکه امام وقت، امیرالمؤمنین علیه السلام باشد و یا امام صادق و امام زمان علیه السلام.

ولی اگر ما بین دو کلمه را با (أو) عطف کنیم معنای حدیث دگرگون شده و از میزان شرعی و اعتقادی خارج می‌گردد و سبب می‌شود که انسان در مقام استعانت و کمک خواستن ما بین امام وقت و صالح جنی در تردید باشد که آیا صالح را به کمک و یاری طلب کنم، یا صاحب و مالک او ابا صالح علیه السلام را؟ چون نکته حساس حدیث این است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر در دامن دشت و صحرا راه را گم کردی صالح را ندا کن، چنانچه او به فریادت نرسید و یا نتوانست تو را کمک کند آنگاه ابا صالح امام زمان علیه السلام را به کمک و یاری بطلب. خواه امام زمان

امیرالمؤمنین علیه السلام باشد، خواه امام دیگر. (۱)

و روی همین اساس است که علمای ربانی و مؤمنین جان باخته و تک تک پیروان اهل بیت عصمت علیهم السلام در جلسات و اجتماعات معنوی و پر شورشان، آن هم نه فقط در حال گم شدن در دشت و صحرا، بلکه در همه گمراهی های فکری و علمی و عملی و نابسامانیهای مادی و معنوی در غیبت کبری، صالح جنی را نه، بلکه صاحب و مالک الرقاب او (امام زمان، ابا صالح علیه السلام) را به کمک و یاری می طلبند و با تکرارکردن جمله موزون و زیبای ابا صالح، ابا صالح، از حضرتش استمداد می جویند. چرا که این نکته و رمز حساس دینی را باور کرده اند که اگر صالح جنی هم در صورتی که تاکنون در قید حیات بوده و زنده مانده باشد و بخواهد به کمک و یاری گم شدگان بشتابد، با آن اعتقاد و ایمانی که دارد یقیناً بدون اذن و اجازه امام زمان (ارواح العالمین له الفدا) و بی آنکه رضایت خاطر

۱ - ممکن است توضیح بیش از این برای خوانندگان عزیز ملال آور و خسته کننده باشد، لذا از شرح و بسط بیش از این اجتناب می ورزم.

مبارک آن حضرت را جلب نماید اقدام به کاری نخواهد کرد و لذا پیروان اهل بیت عصمت و دوستداران امام زمان علیه السلام به جای صالح، از اباصالح (امام زمان) مدد می جویند و او را به کمک و یاری می طلبند.

چرا که ایشان این مطلب را باور کرده اند که: اگر قرار است که انسان در بعضی از گرفتاریها از امدهای غیبی استمداد کند و شخصی را که غایب از دیدگان است به کمک و یاری بخواند مسلماً "از امام زمان علیه السلام کمک و یاری بخواهد بهتر است از کمک و یاری خواستن از صالح جنی .

گذشته از آن مردم مؤمن و مکتب داران اهل بیت علیهم السلام هرگز صالح جنی و امدها در سبانی او را با امام زمان علیه السلام و فریادرسی آن حضرت قابل مقایسه نمیدانند و لذا در مقام دعاوند به و گرفتاریها و در ماندگیها با گفتن: یا صاحب الزمان ادرکنی و یا اباصالح المهدی اغثنی از خداوند متعال، لطف و عنایت و کمک و یاری امام زمان علیه السلام را طلب می کنند.



### سوال و جواب

ممکن است پرسید که چرا در برخی از موارد مانند گم کردن راه و درمانده شدن در صحرا و بیابان امامان معصوم علیهم السلام و یا علمای ربّانی رحمة الله علیهم ما را به جای گفتن یا الله و امثال آن، به گفتن: یا صاحب الزمان، و یا اباصالح المهدی ادرکنی و امثال آن سفارش کرده‌اند؟  
 حال آن که خداوند متعال در فریادرسی مهربان تر و نیرومند تر از امام زمان علیه السلام است؟

جواب این پرسش را می‌توان در قالب بسیار ساده‌ی علمی - اعتقادی بیان کرد و آن عبارت است از اینکه: چون امام زمان علیه السلام خلیفة الله و حجت خداوند متعال در میان مردم و راهنمای ایشان است بدین جهت در مقام گم کردن راه و گم شدن در دشت و صحرا و یا متحیر ماندن در امور دیگر به فریادرسی طلبیدن از امام زمان علیه السلام توصیه و سفارش کرده‌اند.

چرا که خداوند سبحان ایشان را برای ارشاد و راهنمایی مردم برگزیده است بنابراین کمک خواستن از امام زمان به منزله کمک گرفتن از خداوند متعال و یا

همانند کمک گرفتن از وسائل دیگر زندگی است که انسان در ادامه حیات از آنها بهره می‌گیرد. چرا عده‌ای بیسواد توسل کردن به امام زمان علیه‌السلام و کمک خواستن از ایشان را شرک می‌نامند لکن در موقع رفتن به پشت بام و امثال آن، کمک گرفتن از نردبان را شرک نمی‌دانند؟ مگر بهره گرفتن از اشیاء و اشخاص فرق دارد؟

آیا تا کنون شده است کسانی را که از اداره راهنمایی و پلیس‌های مستقر در پایگاه‌ها کمک گرفته و چگونگی راه و جاده را می‌پرسند و یا کسانی را که از آسانسور و بالابرها جهت بالا رفتن از ساختمانهای مرتفع استفاده میکنند مشرک بدانید؟

پس چگونه این عده در مقام گم کردن راه و جاده و درمانده شدن در دشت و صحرا، جایی که هیچ راهنما نیست کمک خواستن از امدادهای غیبی (امام زمان علیه‌السلام) و گفتن یا اب‌صالح المهدی ادرکنی را شرک مینامند حال آنکه آنحضرت جهت ارشاد و راهنمایی و صعود به مدارج عالی ایمان و خوشبختی، بهترین راهگشا و زیبا ترین هدایت‌گراست.

### یا ابا صالح اغثنی

طریقه خواندن دعای معروف ابا صالح علیه السلام این است که اگر در دشت و صحرا راه گم کرده و درمانده و مضطرب شدید به گونه‌ای که هیچ راهنما و نجات بخشی نباشد به چهار طرف (شمال، جنوب، مشرق و مغرب) توجه کرده و دعای یا ابا صالح اغثنی، و یا صاحب الزمان ادرکنی و لا تهلکنی را به هر طرف یکبار بخوانید و آنحضرت را به یاری بطلبید.

با اینکه در روایات به طریقه خواندن آن اشاره‌ای نشده است لکن علمای گذشته طریقه خواندن آن را همانگونه که یادآور شدیم بیان کرده‌اند.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



خَیْرُ کُنْزٍ کُنُوْهُ مُنْبِیْنٌ

## داستان شگفت آور،

و سفارش امیرالمومنین علیه السلام

در این بخش داستان تشرّف مرحوم شیخ احمد، معروف به مقدس اردبیلی به حرم مطهر امیرالمومنین علیه السلام را و همچنین توصیه و سفارش آن حضرت به او را برایتان بیان می‌کنم؛ بی آنکه آن را با داستان صالح جنی و امثال آن مقایسه کنیم. لکن از این جهت که این تشرّف در توسل و ارجاع مردم به محضر امام زمان علیه السلام مفید و مؤثر است آن را باز می‌نویسم:

مرحوم علامه مجلسی رحمته الله می‌فرماید:

عده‌ای از برادران مؤمن، از جناب سید امیر علام نقل کرده‌اند که او گفت: یک روز هنگامی که پاسی از شب گذشته و درب حرم امیرالمومنین علیه السلام بسته بود من در صحن<sup>(۱)</sup> مطهر آن حضرت نشسته و در فکر فرو رفته بودم،

۱ - حیات هر خانه و مسجد و امامزاده را به عربی صحن می‌گویند.



یک مرتبه شخصی که در آن وقت شب به قصد تشریف به سوی حرم مطهر علی علیه السلام می رفت توجه ام را جلب کرد، ناخودآگاه از جا برخاسته و به دنبال او رفتم تا ببینم شخص مذکور کیست که در این وقت شب می خواهد به حرم مطهر علی علیه السلام مشرف شود.

کمی نزدیکتر رفتم تا او را بهتر بشناسم چند قدمی پیش نرفته بودم ناگهان دیدم که او استاد با تقوا و عابد و زاهد مان جناب شیخ احمد (مقدس) اردبیلی است. خودم را پنهان کردم که او مرا نبیند. مقدس اردبیلی به نزدیکی درب حرم رسید، ناگهان درب حرم خود به خود باز شد و شیخ به روضه و حرم مطهر آن حضرت داخل گشت در این میان من هم کمی نزدیکتر رفتم تا ببینم مقدس اردبیلی چه می کند، اندکی گذشت، آنگاه دیدم که او انگار با کبسی حرف می زند و مناجات می کند ولی طولی نکشیده بود که شیخ از حرم خارج شد و درب حرم دوباره به حال اول برگشته و بسته شد.

او آرام آرام از صحن مطهر خارج شد و به سوی کوفه

حرکت کرد من هم به گونه‌ای که شیخ مرا نبیند بدنبالش حرکت کردم تا اینکه پس از پیمودن راه به کوفه رسیدیم او داخل مسجد کوفه شد و در محرابی که امیرالمؤمنین علیه السلام با ضربت شمشیر ابن ملجم (لعنة الله عليه) شهید شده بود به عبادت ایستاد و مدت طولانی در آنجا توقف نمود سپس از مسجد خارج شد تا به نجف اشرف بازگردد من در همه جا با کمی فاصله نظاره‌گر اعمال و رفتار او بودم و پشت سر او حرکت می‌کردم که در بین راه، جایی که به مسجد حنانه نزدیک شده بودیم، خون از دماغ جاری شد، به طوری که دیگر نتوانستم جریان خون دماغم را ببندم.

در این میان مقدس اردبیلی مرا مشاهده کرد و شناخت.

سپس به من خطاب کرد و فرمود: تو میرعلام هستی؟

عرض کردم: بلی.

فرمود: این وقت شب در اینجا چه می‌کنی؟

عرض کردم: آقا، من از تشریف شما به حرم مطهر

علی علیه السلام تا به اینجا به دنبال شما بودم و نظاره‌گر اعمال و

رفتارتان، شما را سوگند می‌دهم به صاحب این قبر  
(امیرالمؤمنین علیه السلام) به من بگوئید که راز و علت تشریف  
شبانه شما به حرم مطهر علی علیه السلام و آمدنتان به مسجد کوفه  
و همچنین توقف طولانی شما در محراب آن مسجد  
چیست؟

مقدس اردبیلی پس از تأمل کوتاه فرمود: حال که تو از  
آغاز تا به انجام به دنبال من بودی و نظاره گراعمال و رفتار  
شبانه‌ام، من این راز را به تو می‌گویم مشروط بر اینکه تا من  
زنده‌ام آن را به کسی نگوئی.

عرض کردم: آقا باور کنید که به کسی نمی‌گویم، من با  
خداوند متعال عهد و پیمان می‌بندم که آن را به کسی  
نگویم، وقتی مقدس اردبیلی مطمئن شد که راز و اسرارش  
تا وقتی که زنده است فاش نخواهد شد از صمیم دل آهی  
کشید و گفت:

من در پاره‌ای از مسائل، فکر می‌کردم که دیدم راه برایم  
بسته است و از فهم و درک آنها عاجز و ناتوانم، در آن میان  
به قلبم خطور کرد که به حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام

مشرف شوم و جواب آنها را از محضر آن حضرت بپرسم، بدین جهت به حرم مطهر مشرف شدم. پس از عرض سلام و زیارت آن حضرت، مسائلی را که درک و فهم آنها برایم مشکل شده بود خدمت آن حضرت عرض کردم که ناگهان صدائی از قبر مطهر آن حضرت شنیدم که فرمود:

اِنَّتِ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ وَ سَلَّ عَنِ الْقَائِمِ، فَإِنَّهُ إِمَامُ زَمَانِكَ.

برو به مسجد کوفه و جواب مسأله‌هایت را از قائم بپرس چرا

که او امام زمان تو است.

پس آنگاه به مسجد کوفه رفتم و در محراب امیرالمؤمنین علیه السلام با توسل به ساحت مقدس امام زمان علیه السلام جواب آن مسائل را از محضرش پرسیدم که الحمدلله جواب همه آنها برایم روشن شد و اینک به خانه باز می‌گردم. (۱)

خوانندگان عزیز! غرض از آوردن داستان مذکور، بیان این حقیقت است که: امیرالمؤمنین علی علیه السلام با اینکه بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قطب عالم امکان است و پاسخ چند

مسأله علمی برای او مؤونه‌ای ندارد، مع الوصف برای اکمال ارادت و اخلاص مقدس اردبیلی رحمته الله علیه نسبت به ساحت مقدس امام زمان علیه السلام، به او می‌فرماید:

إِنَّتِ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ وَسَلُّ عَنِ الْقَائِمِ، فَإِنَّهُ إِمَامُ زَمَانِكَ.

برو به مسجد کوفه و جواب مسأله‌هایت را از قائم پیرس چرا که او امام زمان تو است.

پس می‌بینیم که امیرالمؤمنین علی علیه السلام با این توصیه و سفارش خود، مقدس اردبیلی رحمته الله علیه را به امام زمان علیه السلام ارجاع می‌دهد و با این جمله که می‌فرماید: او امام زمان تو است؛ به شیخ احمد اردبیلی می‌فهماند که در زمان غیبت از امامتان غفلت نکنید چرا که او از حال و افکار و مافی ضمیر دلتان آگاه است و غم و شادی‌تان را می‌داند پس در مقام گرفتاری و گم‌شدن و گم‌کردن راه و جاده، او را به کمک و یاری بطلبید چرا که صالح جنی هم اگر بخواهد به کمک و یاری شما بشتابد مسلماً بدون اذن و رضایت امام و پیشوای وقتش به این کار اقدام نخواهد کرد.

پس روی همین اصل است که در دوران غیبت کبری،



علمای ربّانی دین، در موارد بی شماری برای عرض حاجت و رفع گرفتاری خویش به امام زمان علیه السلام متوسل می شوند. زیرا ایشان بر این مطلب اذعان و یقین دارند که امام زمان علیه السلام اگرچه بنا به علل و عوامل بی شماری از نظرها غایب است ولی حال و احوال مردم از نظر ایشان پنهان نمی باشد چرا که بنابر روایات معتبر اسلامی مسأله غیبت آن حضرت دو طرفه نیست، بلکه ایشان شاهد اعمال و رفتار ما می باشند؛ زیرا در نامه معروف آن حضرت که در سال ۴۱۰ هجری قمری به شیخ مفید ارسال داشته اند آمده است:

«... فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَغُزِبُ عَنَّا شَيْءٌ

مِنْ أَخْبَارِكُمْ...» الحدیث. (۱)

ما به همه اخبار شما آگاهیم و هرگز احوال و غم و شادی

شما بر ما پوشیده و پنهان نمی باشد.

بنابراین چقدر زیباست که انسان در مقام گرفتاری و گم کردن راه و جاده، و یامسیر مادی و معنوی زندگی به ساحت

مقدس حجت حق، امام زمان علیه السلام متوسل شود  
 ویا گفتن جمله های دلنشین و آرام بخش: یا صاحب الزمان  
 أدركنی، یا فارس الحجاز، و یا اباصالح المهدي  
 أغثنی، از آن حضرت کمک و یاری درخواست نماید. چرا که  
 در حال حاضر امام زمان علیه السلام حبل الله و واسطه  
 فیض میان خدا و مردم است، پس متوسل شدن به  
 پیامبر و ائمه اطهار و امام زمان علیهم السلام بمعنای دَقِ  
 الباب کردن درب رحمت و هدایتگر خداوند متعال است  
 چرا که ایشان حجت خدا و دلیل و راهنمای او در میان  
 مردمند.

### یاقوت حلّی چه می گوید؟

در اینجا بهتر است داستان یاقوت حلّی را مطالعه کنید.  
او می گوید:

من در کنار پل حلّه<sup>(۱)</sup> روغن فروش هستم و اسمم یاقوت است. پدر، و همه فامیل پدرم از اهل سنت هستند ولی مادرم شیعه و علاقه مند به اهل بیت علیهم السلام است. یک روز با همکارانم برای کسب و کار و خریدن روغن به اطراف حلّه رفتیم به طوری که از شهر خیلی دور شدیم. پس از گشت و گذار در صحرا و دهات و خریدن روغن، آنها را بر الاغ بارکردم تا با جماعتی که به حلّه بازمی گشتند، برگردم. پس از پیمودن چند کیلومتر، در بین راه برای استراحت و رفع خستگی اتراق کردیم و هر کدام در کنار بار و وسائل خود خوابیدیم، من وقتی از خواب بیدار شدم

۱ - حلّه یکی از شهرهای معروف عراق است که علماء بزرگ شیعی مانند علامه حلّی رحمته الله از آن برخاسته است.

ناگهان دیدم که هیچکدام از همراهان خود را در کنارم مشاهده نمی‌کنم. ترس و وحشت بسیار، تمام روح و جسمم را فراگرفت، چرا که مسیر برگشت به شهر حله بسیار سخت و خطرناک بود و علاوه بر سختی راه حیوانات درنده بسیار زیادی در آن مسیر وجود داشت و از سوی دیگر تا شهر هم هیچ آبادی و ساختمانی به چشم نمی‌خورد.

من با ترس و ناراحتی فوق‌العاده، روغن‌ها را بر الاغ بار کردم و به دنبال آن عده که مرا تنها گذاشته و رفته بودند حرکت کردم، لکن به خاطر ترس و اضطراب روحی که بر من مسلط شده بود پس از اندکی راه را گم کردم. پس با ترس و وحشت مشغول دعا شدم و بزرگان اهل سنت را به کمک و یاری طلب نمودم. پس از گریه و زاری فراوان و توسل، هیچ نتیجه و کمکی از آنان دریافت ننمودم؛ تا این که یک مرتبه گفته‌های مادرم یادم آمد که او گاهی به من می‌گفت: ما شیعیان بعد از وفات پیامبر اکرم (ص) دوازده امام داریم که دوازدهمین ایشان امام زمان علیه السلام

است که هنوز زنده است و معروف به ابا صالح است. اگر کسی در دشت و صحرا راه گم کرده و گرفتار و درمانده شود و برای رفع گرفتاری خویش آن امام بزرگوار را با نام ابا صالح ندا کرده و بگوید یا ابا صالح اغثنی، به طور یقین آن حضرت به کمک و یاری آن شخص می شتابد و او را از گرفتاری نجات می دهد.

پس همین که گفته های مادرم بیادم آمد در همان لحظه با خداوند متعال عهد و پیمان بستم که اگر آن امام (ابا صالح علیه السلام) رابه کمک و یاری بخوانم و او مرا از این گرفتاری نجات دهد، من هم به دین و مذهب مادرم ایمان می آورم و شیعه می شوم.

پس از عهد و پیمان با خداوند متعال، امام زمان علیه السلام را به کمک و یاری طلب نمودم و با تکرار «یا ابا صالح اغثنی» «یا ابا صالح اغثنی»، بر محضرش استغاثه کرده و از او کمک و یاری خواستم، لحظاتی بیش نگذشته بود که ناگهان کنارم، شخصی را مشاهده کردم، که عمامه سبز رنگی بر سر داشت، من از تعجب و شگفت زدگی زبانم



بسته شده بود و نمی دانستم چه بگویم ، او در همان لحظه راه حله را به من نشان داد، و فرمود: ای یاقوت! دین و مذهب مادرت را قبول کن و به آن ایمان بیاور. سپس فرمود: به زودی، به دهی می رسی - که همه اهالی آن شیعه هستند - و از آنجا به حله می روی .

در این میان که قدرت تکلم و حرف زدن را تازه بازیافته بودم عرض کردم: آقا شما همراه من به آن ده نمی آید؟ در پاسخ، حضرت ابا صالح، امام زمان علیه السلام، جمله ای به من فرمود که معنی آن جمله این است: نه، من همراه تو نمی آیم زیرا هم اینک گرفتاران و درماندگان بسیاری در اطراف و اکناف دنیا هستند که مرا به کمک و یاری می طلبند و من می خواهم به ایشان هم کمک کنم .

تا سخن امام زمان علیه السلام به اینجا رسید یک مرتبه آن حضرت از نظرم غایب شد و دیگر نتوانستم ایشان را ببینم! من در آن حال که از ناپدید شدن امام زمان علیه السلام بسیار افسرده و ملول بودم، راه زیادی نرفته بودم که به آن ده رسیدم و آن عده که مرا در بین راه در خواب گذاشته و رفته

بودند یک روز بعد از من به آن ده رسیدند .  
 سرانجام پس از پیمودن راه و مسیر طولانی به حله  
 رسیدیم . من پس از استراحتی کوتاه، خدمت جناب سید  
 مهدی قزوینی که یکی از علماء بزرگ حله بود مشرف  
 شدم و قصه و داستانم را به محضرش عرض کردم ایشان  
 هم با کمال اشتیاق اعمال و تکالیف شرعی را براساس  
 مذهب شیعه که همان مذهب اهل بیت علیهم السلام و اسلام  
 حقیقی است به من آموخت. (۱)

خوانندگان عزیز! آنچه از این داستان و مطالب گذشت  
 به دست می آید این است که : کنیه مبارکه ابا صالح ، در میان  
 عربها و شیعیان و دوستان اهل بیت عصمت علیهم السلام بقدری  
 معروف و مشهور بوده است که حتی زنان خانه دار هم آن را  
 می دانستند و به فرزندان خود می آموختند که در موقع  
 گرفتاری و گم کردن راه از آن بهره گرفته و به ساحت مقدس  
 امام زمان علیه السلام متوسل شوند . لکن این نکته را هم باید  
 دانست که گم شدن و از خود بی خود شدن و یا به عبارت

دیگر گم کردن راه لازم نیست که فقط راه مادی و دشت و صحرا باشد بلکه اگر کسی از نظر فکر و عقیده، و ایمان و اعتقاد هم، جاده و راه را گم کرده باشد سزاوار است که در این گونه موارد هم به ساحت مقدس خلیفه الله، حضرت ولی عصر، امام زمان علیه السلام توسل جوید و با گفتن: «یا ابا صالح اغثنی» آن حضرت را به کمک و یاری بخواند.

### نظریه علامه مجلسی رحمته الله علیه

علامه مجلسی (رضوان الله تعالی علیه) پس از بیان کردن داستان نجات یافتن شخصی به نام شیخ قاسم که با جمله: یا ابا صالح، به ساحت مقدس امام زمان علیه السلام متوسل شده و نجات یافته بود می نویسد:

از علماء و مؤمنین کسانی را که با ما رفاقت و مصاحبت دارند از این گونه وقایع و داستانهای شیرین، بسیار دارند و همگی بر این مطلب ایمان و تأکید دارند که نجات دادن درماندگان و گمشدگان در دشت و صحرا و همچنین تحقق یافتن این گونه معجزات و کرامات در عالم امکان و در عصر حاضر، جز از خلیفه الله، امام زمان، علیه السلام از شخص دیگری ساخته نیست چرا که یکی از مقامات معنوی امام عصر علیه السلام، علم و آگاهی به احوال مردم و نجات دادن گرفتاران و گمشدگان آنهاست.

علامه مجلسی سخنان خود را ادامه داده و می فرماید:

مسأله دیگر این است که از قدیم الأيام در میان عربها، کنیه مبارکه «أبا صالح» از کنیه‌های معروف و مشهور امام زمان علیه السلام بوده است که به همین دلیل شعراء و خطبای عرب در میان سروده‌ها و اشعار و روضه‌ها و مرثیه‌هایشان آن حضرت را با آن ندبه کرده و به کمک و یاری می‌طلبند، و گمان می‌رود که ایشان این اعتقاد را از حدیث اربعة مائة (اصول چهار صد گانه) امیرالمؤمنین علیه السلام به دست آورده‌اند. <sup>(۱)</sup> چرا که امام زمان علیه السلام همان‌گونه که صاحب و ولی امر انسانها است، صاحب و مولای صالح جنی هم هست.



### سؤال و جواب

ممکن است برخی از شما بگوئید که : در عصر حاضر گرفتاری و مشکلات و گمراهی ها، یکی، دو تا نیست و علاوه بر آن، هر روز و هر روز نمی توان دست به دعا برداشت و استغاثه و ندبه کرد پس برای برطرف کردن مشکلات و ریشه کن نمودن گمراهی های دامن گیر روزمره، امام زمان علیه السلام کی خواهد آمد؟

جواب این پرسش را می توان در دو جمله بیان کرد: اگر پدری بدلیل بی لیاقتی فرزندانش خانه را ترک کرده باشد در یکی از دو حال به منزل بازمی گردد:

۱. وقتی فرزندان و اهل خانه لیاقت حضور پدر را بازیابند و پدر، قابلیت حضورش را در آنان احساس کند. که بر همین اصل است که گفته می شود: منتظران مصلح باید خود صالح باشند. یعنی صلاحیت و قابلیت

حضور او را داشته باشند: چرا که بدون صلاحیت، و بی آنکه قابلیت حضور پدر را داشته باشند انتظار بازگشت و مراجعت او معنی ندارد.

۲. حالت دوم هم این است که وقتی ظلم و ستم و فقر و بیچارگی از هر سو بر فرزندان و اهل خانه چیره گشته و ایشان را به تنگ آورده باشد.

در این حال نیز، پدر، با آن مهر و محبتی که دارد راضی نمی شود که فرزندان آن همه سختی و بیچارگی را تحمل کنند مشروط بر اینکه آنان هم بر فقر و درماندگی شان اعتراف کرده و به دنبال پدر، صبح و شام از خداوند متعال بازگشت و مراجعت او را بخواهند پس با توجه به آنچه که گذشت، ما پیروان اهل بیت عصمت و دوست داران امام زمان علیه السلام، صبح و شام و روز و شب به هنگام مناجات با خداوند متعال می گوئیم:

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لِيَوْمِكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای خدا، ای مهربانترین مهربانان، با رحمت بی‌کرانت در ظهور و بازگشت همراه با پیروزی و سلامتی ولایت (امام زمان علیه السلام) تعجیل فرما. و با ظهور آن حضرت ما را از تحیر و درماندگی رها ساز و در انجام و سرانجام هر چیز بر محمد و آل محمد درود فرست.

آمین یا رب العالمین

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



خَيْرُكُمْ مَنْ كُنِيَ مُؤْمِنًا

اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ ابْنِ الْحَسَنِ  
 صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ  
 فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَ  
 دَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ  
 فِيهَا طَوِيلًا.

پروردگارا همینک و همه ایام و روزگاران  
 حافظ و نگاهبان، پیشوا و رهبر، یار و ناصر، و  
 راهنما و دیدبان ولییت حجت ابن الحسن علیه السلام  
 باش تا زمین را با استقرار حکومتش آرام  
 گردانی و روزگاران بسیاری حضرتش را از  
 نعمتهای آن بهره‌مند سازی

در آرزوی عدالت پایدار

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَزِّزُ بِهَا  
 الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النُّفَاقَ وَ أَهْلَهُ  
 وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ  
 إِلَى سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

پروردگارا ما مشتاقانه از ذات اقدس  
 مسئلت می‌کنیم که دولت کریمه امام  
 زمان علیه السلام را آشکار سازی، و با آن اسلام و  
 مسلمانان را عزت بخشی و نفاق و دورویان  
 را ذلیل و خوار گردانی.

بار خدایا ما را در دولت با میمنت آن  
 حضرت از کسانی قرار ده که مردم را به  
 اطاعت از تو فرامی‌خوانند و به راه تورهبری  
 می‌کنند.

پروردگارا با ظهور و استقرار حکومت میمون  
 و مبارک امام زمان علیه السلام ما را از کرامت یافتگان  
 دنیا و آخرت قرار ده.



تجدید بیعت با امام زمان علیه السلام

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ عَنِ جَمِيعِ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ  
 مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا، حَيْثُمُ  
 وَ مَسِيَّتُهُمْ وَ عَنِ الْوَالِدَيَّ وَ وُلْدِي وَ عَنِّي  
 مِنَ الصَّلَوَاتِ وَ التَّحِيَّاتِ

زِينَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ مُنْتَهَى رِضَاةٍ وَ  
 عَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ  
 عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً فِي رَقَبَتِي.

پروردگارا از شرق و غرب همه شهرها،  
 خشکی ها و دریاها، کوهها و صحراها سلام و  
 درود همه مؤمنان مرد و زن، زنده و  
 مرده شان،

و همچنین سلام و درود بی پایان من، و پدر  
 و مادر و فرزندانم را به محضر مبارک مولایم  
 امام زمان علیه السلام ابلاغ فرما

درود و سلامی به عظمت و سنگینی عرش  
خداوندیت، جوهر کلمات، به بلندای  
رضایت و به شمارش آنچه که کتاب  
آسمانیت شمارش کرده و یا علم خداوندیت  
به آن احاطه دارد به محضر حضرتش برسان.  
بار خدایا من در این روز و در همه ایام و  
روزگاران با ولی عصر امام زمان علیه السلام تجدید  
بیعت می‌کنم

و متعهد می‌شوم که در ظهور و استقرار  
حکومتش ملتزم رکاب و در اطاعتش باشم.

### فهرست

- مقدمه ..... ۹
- چرا امام زمان علیه السلام را ابا صالح می خوانیم؟ ..... ۱۱
- معنای لغوی اَب ..... ۱۳
- تحقیق عمیق تر و بهتر ..... ۱۷
- چه وقت امام زمان علیه السلام را ابا صالح بخوانیم؟ ..... ۲۱
- سیری در احادیث ابا صالح ..... ۲۳
- یا ابا صالح اغثنی ..... ۳۵
- داستان شگفت آور، و سفارش امیرالمومنین علیه السلام ..... ۳۷
- یا قوت حلّی چه می گوید؟ ..... ۴۵
- نظریه علامه مجلسی رحمته الله علیه ..... ۵۱
- سئوال و جواب ..... ۵۳
- در آرزوی عدالت پایدار ..... ۵۸
- تجدید بیعت با امام زمان علیه السلام ..... ۵۹